



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۲/۱۹

بشیر مؤمن

## جامعه شناسی جشن کرسمیس

کرسمیس یکی از بزرگترین جشن های جهان و بسیار مهم مسیحیان در سراسر جهان است که البته در بین غیر مسیحیان نیز به عنوان جشنی جذاب به حساب می آید. درین روزها در اکثر کشورهای دنیا جاده های پر جمع و جوش مردم، درختهای سبز با نقش و نگار و پر زرق و برق و با هیاهو در شهرها، روزهای آخر ماه دسامبر پیداهروها و مناطق مختلف کشورهای دنیا حال و هوای جشن کریسمس دارد. **Agnes Totne Mikhalyko**. استاد پوهنتون اوسلو می گوید که حتی رومی ها در این زمان به پاس احترام به خدایان باستانی خود، جشنی برگزار می کردند. 25 دسامبر کوتاهترین روز سال است و مردم آن را به عنوان زمان تولد مجدد خورشید جشن می گیرند. انجیل یک کتابی است که در یک زمان و بواسطه یک نفر نوشته نشده شده است بلکه مجموعه ای از نظریات نویسندگان گوناگون است. مهمترین بخشهای کتاب انجیل بواسطه چهار تن از حواریون او نوشته شده است. این چهار تن زندگانی مسیح را هر یک با دیدگاه خود و تجربه خود با مسیح نوشتند. این چهار انجیل: ۱- انجیل متی یا متیو یا ماته اوس ۲- انجیل مرقس یا مارک یا مارکوس ۳- انجیل لوقا یا لوک یا لوکاس و ۴- انجیل یوحنا یا جان یا یوهانس میباشد. ولی در هیچ یک ازین انجیل ها هیچ چیزی در مورد زمان تولد عیسی مسیح گفته نشده است. کریسمس **Christmas** جشنی است که به خاطر گرامیداشت مولود عیسی مسیح برگزار میشود؛ کاتولیک ها و پروتستان های دنیا کریسمس را در روز ۲۵ دسامبر جشن گرفته و تعداد آن را در شامگاه ۲۴ دسامبر نیز برگزار میکنند. اینکه جشن کریسمس **Christmas** از کجا عمومیت یافت، چندان معلوم نیست، اما چیزی که روشن است این است که؛ توس جولیس آفریکانوس نخستین مورخ مسیحی که شرح وقایع جهانی را آغاز کرد، در رایج کردن این تفکر که مسیح روز ۲۵ دسامبر متولد شد نقش محوری داشت. تعیین کردن 25 دسامبر به مثابه مولود عیسی مسیح و برگزاری جشن و سرور در آن روز در اوایل قرن چهارم مورد حمایت کنستانتین امپراتور روم که به پدر کلیسا مشهور است واقع شد و بدین ترتیب آیین کریسمس بیش از پیش در دنیای مسیحیت تثبیت و رسمیت پیدا نمود. برای اولین بار به جشن کریسمس در تقویم فیلوکالوس (**Philocalus**) مشاهده میشود که در سال ۳۵۴ در روم گردآوری شد. اصطلاح «پاگان» در میان عیسوی ها به معنای کافر، مشرک و دور از دین است. ادیان پاگانی بهادیان چند خدایی پیش از مسیحیت اطلاق میشود که در زمان ظهور مسیحیت رقیبی جدی برای مسیحیت محسوب میشدند. پیروان این ادیان بهپرستش الهه های یونانی و رومی، مصری و دیگر خدایان اساطیری میپرداختند. مسیحیت سعی در براندازی این کیشها داشت و توانست در بسیاری از مناطق به پیروی از آنها خاتمه دهد. اما در مناطق دور افتاده پیروان این ادیان بر سر اعتقادات خود باقی ماندند؛ در قرون وسطا در حاشیه جوامع به حیات خود ادامه دادند و هم اکنون نیز طرفدارانی در برخی مناطق دارند. با این وجود بنا به مصالح تاریخی خود برخی از دستاوردکاران کلیسا تعدادی از نمادها و رسم و رسوم پاگانیتی را با تعاریف جدیدی در دنیای مسیحیت حفظ کرده اما هم چنان نیز این اختلافات ادامه دارد. از منابع مختلف محققین عیسوی بر می آید که پس از مرگ رهبران سنتی مسیحیت در دو قرن نخست، بالاخره تلاش برای شکل و شمایل مذهبی دادن به آیین های بر افتاده پاگانیتی برای جذب مومنین جدید به آیین مسیحیت نتیجه داده و ابتدا روز مشخصی برای تولد عیسی مسیح تعیین شده است. اوایل قرن نوزدهم علاقه به کریسمس در آمریکا بهواسطه چند داستان کوتاه نوشته واشینگتن اروینگ (**Washington Irving**)، نویسنده و سیاستمدار و شاعر امریکایی احیا شد. مهاجران آلمانی و آمریکاییهایی که پس از جنگ داخلی آمریکا به کشور بازگشتند سهم مهمی در آوردن سنتهای کریسمس اروپایی به قاره آمریکا بر عهده داشتند. بعد از مناقشات زیاد در میان چیز فهمان امریکایی این روز را به عنوان رخصتی عمومی شناختند که مغایرت با قوانین سکولار ندارد؛ بر اساس قصه بابائونل یک شخصیت تاریخی و داستانی در فرهنگ عامیانه کشورهای غربی و مسیحی است؛ به یکی از کشیشهای ترکی به نام سن نیکولاس که در قرن چهارم میلادی

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

زندگی میکرد به خاطر محبت با اطفال و تحفه دادن به فقرا ورد زبانها بود. او بعدها به نیکولاس قدیس شهرت یافت، در نقاشیهای قرونوسطی و عصر رنسانس به شکل آدم قد بلند با چهرهای جدی و مهربان ترسیم شده است است جسد سنت نیکلا اکنون در کشور ترکیه در منطقه Demre واقع در سواحل دریایی مدیترانه دفن است و به علت مومیایی شدن طبیعی هنوز قسمتهایی از آن سالم مانده است. دانشمندان در سال ۲۰۰۳ موفق به بازسازی صورت وی از روی استخوانها شدند و دریافتند که بابائوئل واقعی دارای رنگ قهوه‌ای روشن بوده است. بابا نوئل به چندین اسم شناخته میشود که بابائوئل (Papa noel)، سانتا کلوز (Santa claus) و سنت نیکولا (Saint Nicola) از معروفترین این اسامی اند. درخت کاج هم که اگر نباشد مثل این است که یک چیزی گم شده باشد. امروز در تمام جهان درخت سرو نماد مهم کریسمس است. مردمان عاقل و پادانش مسیحی باوران در قرن ۱۹ بر این موافقه رسیدند تا افسانه بابائوئل را با جشن کریسمس یکجا نمایند و از آن برای تربیت رطفال خویش استفاده کنند، بنابراین کلاه اسقفی و صلیب نیکلاس مقدس به لباس و کلاه قرمز تبدیل شد بابائوئل بعد از آن برای بچه‌های با تربیه وگپ شنو تحفه و هدیه میداد، با این فرق که او دیگر نه در بهشت بلکه در قطب شمال زندگی میکرد و صاحب کارخانه اسباببازی و هدیه بود. کودکان در بسیاری از کشورها کفش یا جوراب خود را جایی میگذارند تا بابائوئل آن را با هدیه پر کند.

برای مثال افسانه‌های مشهور مردمان جهان در مورد کرسیمس جنین هستند: بچه‌های هالندی، شب کریسمس کفش‌های خود را کنار بخاری دیواری خانه‌هایشان می‌گذاشتند و کمی علف هم برای اسب نیکولاس مقدس یا سینترکلاس بیرون در خانه می‌گذاشتند و سنت نیکلاس، سوار بر اسب خود، بر بالای بام خانه‌ها می‌گذشت و از راه دودکش خانه‌ها، آب نبات و شیرینی به داخل کفشهای کودکان می‌انداخت. همزمان معاون او پیتر سیاه نیز از لوله دودکش‌ها پایین می‌رفت و هدایایی را که برای بچه‌ها آورده بود، در خانه‌ها می‌گذاشت. مهاجران هالندی که به آمریکای شمالی کوچ کردند، این سنت را با خود به آن کشور بردند و در آنجا بود که نام او به "سانتا کلوز" تغییر یافت. عقاید بر این است که بابا نوئل از دودکش بخاری در شب کریسمس وارد خانه میشود. هر سال در هنگام کریسمس بز بزرگی در یوله در کشور سویدن ساخته و در مرکز شهر گذاشته میشود. البته این سنت فقط و فقط مخصوص این شهر نیست و در شهرهای دیگر سویدن هم ساخته میشود، اما بز این شهر با همه آنها فرق دارد؛ این بز از کاه ساخته میشود و برای این شهر نماد کریسمس است. در کانادا کودکان و البته گاهی هم بزرگ‌ترها به بابائوئل نامه مینویسند و آن را به آدرس خانه بابائوئل در قطب شمال کانادا میفرستند. البته این نامه‌ها هیچ وقت به دست بابائوئلها نمیرسد، چون بعضی از کارمندان پست، داوطلبانه این نامه‌ها را باز میکنند و جواب میدهند. یکی از آداب و رسوم محبوب در کشور جمهوری چک پرت کردن بوت است! مردم این کشور معتقدند که اگر دختران مجرد در چهارچوب در بایستند و کفش را از بالای شانه به آن طرف پرت کنند به زودی ازدواج میکنند. البته یک شرط دارد که بعد از این که کفش به روی زمین افتاد باید حتما قسمت جلوی کفش به سمت آنها باشد. کریسمس در آذربایجان - باکو معروف است مخصوصا با آن کاج غول‌پیکر و تزئین شده در قلب بلوار باکو که اگر به نوک درخت نگاه کنید بدون شک کلاه از سرتان میفتد. سخن کوتاه اینکه برخی جامعه‌شناسی بر این باورند که امروز عملن این جشن دیگر از مذهب فاصله گرفته؛ نه جهاد دارد و نه غنیمت و نه کنیز و نه سنگسار و نه دارلحرب؛ و به یک عید همگانی و فرهنگی مردمان جهان مبدل گردیده است این عید و بسیاری از اعیاد و تعطیلات از این قبیل برای مردم از قشرهای مختلف با سنین متفاوت معانی گوناگون دارد. برای نمونه عید میلاد مسیح برای کودکان شادی بخش است چون برای آنان چنین ایامی با هدایایی که به آنان داده می‌شود، همراه خواهد بود. اما کریسمس برای بزرگترها زمان کاراست و برای خرده فروش‌هاو کاسبان ایام پردرآمد و کسب پول! واژه کریسمس از دو بخش کریس و مس تشکیل شده که به معنای مراسم عشای ربانی (عشای ربانی یکی از مسائل اساسی ایمان شعائر عبادی مسیحیت است. مسیحیان هنگامی که در این مراسم شرکت میکنند باور دارند که مسیح با جسم خود پیش شان حاضر میشود. نان شراب به عنوان یکی از ارکان اجزای اصلی عمل عشای ربانی دارای مفهوم خاصی در مسیحیت می‌باشد. به آیین عشای ربانی (high mass)، شام خداوند (lords supper)، شکستن نان، مجلس سپاسگزاری شرکت هم اطلاق شده است. در انجیل روایت شده است که عیسی در آخرین شب حیات خود که شب عید فصح یهودان بود به اتفاق شاگردان به سنت کتاب مقدس آخرین شام دسته جمعی را صرف کردند. که بعدها به معنای «جشن مسیح» استعمال شده است. مردم بسیاری در آمریکای شمالی و جنوبی، اروپا، آسیا و دیگر مناطق جهان کریسمس را به عنوان

مهم‌ترین رویداد سالانه مسیحی جشن می‌گیرند. این جشن از اوایل قرن بیستم میلادی به بعد به تدریج وجهه مذهبی خود را از دست داده و هم اکنون بیشتر به عنوان یک جشن غیر مذهبی برگزار می‌شود. خلاصه اینکه امروز کریسمس یعنی تزئین خانه و شهر، خرید هدیه، به راه افتادن کارناوال‌های کریسمس، تماشای بابا نوئل، پوشیدن لباسهای نو و برپا کردن جشن و پایکوبی در کنار فامیل‌ها و دوستان و درختان کریسمس. اما غرب بیشتر به تاثیر اقتصادی کریسمس اهمیت می‌دهد تا وجهه مذهبی آن. البته کریسمس جشنواره ای است که به مناسبت گرامیداشت تولد عیسی مسیح، در 24 دسامبر جشن گرفته می‌شود. در حالیکه سال نو روزی است که پایان سال و آغاز سال جدید را جشن گرفته می‌شود. اشتباه نشود که کریسمس سال نو نیست؛ سال نو روزی است که پایان سال و آغاز سال جدید را جشن

می گیرد. تاریخی که در آن سال جدید جشن گرفته می شود، برای هر فرهنگ و مذهبی متفاوت است، زیرا همه آنها از تقویم های خاص خود پیروی می کنند. کریسمس با یک مهمانی جشن گرفته می شود و اعضای خانواده به یکدیگر هدیه می دهند، در حالی که سال نو را بیشتر با نوشیدنی، آتش بازی و شمارش زمان تا سال نو جشن می گیرند. گفتنی است که اکثر کشورهای جهان از تقویم میلادی پیروی می کنند. بر اساس این گاهشمار بینالمللی، مردم در قاره های اروپا، آمریکا، استرالیا و بخشهایی از آسیا و آفریقا ساعت ۱۲:۰۰ شب ۳۱ دسامبر هر سال را به عنوان انتقال سال قدیم به سال جدید جشن میگیرند. جشن سال نو میلادی همیشه با آتشبازی یا گردهماییهایی در مجالس و مهمانیها برگزار می شود؛ کرسمیس و نوروز هر دو از اعیاد محبوب جهان هستند و کمتر کسی را میتوان پیدا کرد که نام این دو را نشنیده باشد. هر کدام از این دو عید دارای رسم و رسومات و آداب و سنتهای مخصوص به خود هستند. میتوان گفت کریسمس و عید نوروز نقاط مشترکی هم دارند؛ هدیه دادن، یادآوری فصل بهار و سرسبزی و جمع شدن خانوادهها به دور هم از جمله شباهتهای این دو مناسبت است. جشن نوروز هم دارای آداب و رسوم و سنتهای زیادی است. یکی از مهمترین کارهایی مردم چند روز قبل از عید نوروز انجام میدهند، خانهتکانی است. مردم در خانهتکانی تمام خانه را گردگیری میکنند و به تمیز کردن لوازم خانه میپردازند تا با منزلی تمیز به استقبال سال نو بروند. از اصلیتترین مراسم جشن نوروز میتوان به هفتمیوه و یا هفت سین اشاره کرد. در سفرهی هفت سین هفت میوه خشک وجود دارند که نام آنها با حرف سین آغاز میشود. خانوادهها هنگام تحویل سال به دور سفر می نشینند و برای داشتن سالی خوب دعا میکنند. مردم در این روزها به دیدار خویشاوندان و خانوادهی خود میروند. همچنین سری به مزار درگذشتگان میزنند تا هنگام عید از آنان یاد کرده باشند. این روز با نام جشن طبیعت شناخته میشود، مردم به دامن تپه ها و سزه زار ها میروند. در فرهنگ باستانی ما افغانها، غم و اندوه و زاری نکوهش و بجایش جشن و پایکوبی، شادی و خنده ستایش و ارج داده شده است، که جشن ها و سنت ها مان، نمادی از این ارحمت می باشد. ولی این جشن ها و سنت های ملی ما، تنها برای شادی و پایکوبی نیستند، بلکه در کل بعنوان یک مجموعه، یکی از عناصر زیربنایی، سازنده و مهم فرهنگ و هویت افغانی بشمار می روند، و بدین علت هم برگزاری آنها، بجز شادی کردن و شاد بودن، در حقیقت پویاسازی و زنده نگاهداشتن آن هویت ملی است. ما افغانان از بد روزگار که با داشتن یک سابقه تاریخی کهن و فرهنگ دیرپای وقتی به کشور های مختلف اروپایی امریکایی مهاجرت کرده ایم، علاوه بر آن که باید به جشن ها و اعیاد ملی خودمان تعلق خاطر داشته باشیم، شایسته است در آداب و رسوم جامعه کشور میزبان و بویژه مراسم کرسمیس و سال نو میلادی مشارکت نمائیم و شادی و سروری که جامعه اینجا را در بر گرفته از آن خود بدانیم. گذشته های مان بیانگر این است که نیاکان ما نیز جشن هایشان را با روشنایی و نور می آراستند و آن را نمادی از نیکی و مهربانی می پنداشتند. پس چه زیبا و شایسته است که ما نیز در این نورآرایی شبهای کریسمس مشارکت داشته باشیم و این فرهنگ زیبا را به نسل های دوم و سوم مهاجران آموزش دهیم و همه یک دل و یک زبان در کنار درخت کریسمس به یکدیگر هدیه دهیم و هدیه بگیریم؛ از اسلامیت و انسانیت مان هیچ چیز کاسته نمیشود بر خلاف به عنوان انسانهای متمدن مورد احترام دیگران قرار میگیریم. ما از برگزاری این گونه مراسم علاوه بر آن که به آینده و ساختن یک زندگی بهتر و آرام تر، باورمند می شویم، باید به ارزش معنوی دیگر آن هم توجه داشته باشیم. جالب است بدانید که پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک های جهان که فردی روشن و حقیقت بین است درباره این ایام گفته است: «کریسمس فرصتی است برای آن که ما باز در پی شناختن خود باشیم». ببینید در

این جمله کوتاه دنیایی از زیبایی های ارزشمند نهفته است. اگر انسان در چرخه حیات عمر خود به خویشتن شناخت پیدا کند، بسیاری از مشکلاتش حل می شود. با خودشناسی انسان جایگاه واقعی خود را در جهان هستی پیدا می کند و به این پی می برد که او آزاد آفریده شده و در برابر آزادی دیگران هم مسئولیت دارد. با این شناخت است که استبداد، ظلم و دیکتاتوری از جامعه رخت بر می بندد و مساوات، آزادی و دموکراسی برقرار می شود. پس چه نیکوست ما همین پدیده خودشناسی را به عنوان درس و آموزه ای از جشن های کریسمس و آغاز سال نو در نظر بگیریم و همه سعی کنیم که بدانیم در این جهان هستی نسبت به دیگران چه حق و حقوقی داریم و چگونه باید در تعامل منطقی و اصولی با یکدیگر زندگی کنیم. با خودشناسی در انسان مسئولیت به وجود می آید، آن گاه به حقوق دیگران تجاوز نمی کند. جامعه ای که بر محور تعامل درست انسانی پایه گذاری می شود در آن فساد، ظلم و زور گویی و تجاوز صورت نمی گیرد. شما تصور کنید در یک چنین دنیایی، زندگی چقدر هدفمند و زیبا می شود. این همه گرفتاری هایی که انسان زمان حاضر در سرتاسر جهان با آن درگیر است بر اثر خودخواهی و عدم شناخت از خویشتن به وجود آمده است. پس چقدر زیبا است در این ایام جوش و خروش و هنگامه سال نو و عید کریسمس در کنار این همه خوبی ها و خوشی ها که در آن فرو میرویم به این نکته مهمی که این رهبر فهیم کاتولیک های جهان آن را گفته است بدون این که آن را یک دستور العمل دینی و مذهبی تلقی کنیم، توجه نماییم و سعی کنیم که سال جدید میلادی را با خودشناسی و شناخت ارزش و الای مقام انسانی شروع کنیم و بدانیم که افراد با نگرش درونی و شناخت خویش است که به عشق و جانان واقعی خود می رسند. از نظر جامعه شناسی این تاریخها و کنکاشها هر چند پیچیده و گنگس کننده است، ولی یک واقعیت عیان و روشنتر از روز وجود دارد و آن این که بشر به شادی و خوشگذرانی

نیاز دارد. به اوقاتی که خوش باشد، به دشواریهای زندگی روزمره فکر نکنند، اختلافات و کینهها را کنار بگذارند، خلاصه همه با هم خوش باشند. پیام با ارزش همچو عید ها اندیشه نمودن و نهادینه نمودن صلح است، زیرا که بهای این جنگها و دشمنیها را تنها مردم هستند که میپردازند. بقول معروف هیچ مردمی دشمنی با مردم دیگری ندارند، بلکه کلههای پر از بیماری قدرتمندان است که این مصیبتها را برپا میسازد. در پیام یونسکو آمده: از آنجا که جنگ در مغز آدمیان آغاز میشود، در مغز آدمیان است که دفاع از صلح شکل بگیرد. ناآگاهی از زندگی و فرهنگ و تمدن دیگر مردمان در سراسر تاریخ بشریت سبب شده است که بی اعتمادی و بدگمانی میان مردمان گیتی ببار آید که به دلیل ناهمسانیها و ناهم اندیشیهای آنان اغلب به جنگ بیانجامد. سال نو و دیگر جشنها، زمانی پیوندی با گردش فصول و اوضاع جوی و تاثیر آن بر کشت و کار و غیره داشته اند، اما آنچه امروز مانده است همان نیاز به وقت خوش و لبخند یاران و فامیلها است. و این نیاز بشری آن قدر سخت جان است که هیچ مخالفتی از هر موضعی و با هیچ استدلالی نتوانسته است نابودش کند. ولی های آلمان!!! برای کدام طفل مهم است که اصل و بنیاد کرسیمس چیست؛ و فراموش نکنیم که کرسیمس بیش از هر چیز جشن کودکان است، که هنوز میتوانند افسانه بابا نوئل را باور کنند که با ریش سفید و لپهای گل انداخته و لباسهای قرمز از سرزمینهای برفگرفته با اربابهای پر از خریطه های تحایف راههای آسمانی را طی میکند تا آن چه را آرزو کردهاند به دستشان برساند. گرچه امسال با وجود تنشهای بسیاری که میان مسلمانان و مسیحیان در اروپا، ایالات متحده و جاهای دیگر به وجود آمد، به جا خواهد بود که به چنین پیوندها و اشتراکاتی بیندیشیم و بر اصل انسان و انسانیت فکر نماییم. لذا هر جشن که نیت انسانی داشته باشد و کودکان را شاد بسازد؛ باید حرمت کرد و شرکت کرد!

روزهای خوش جشن کرسیمس و سال نو مبارک برای همه آلمان دنیا!